

اعتراض مردمی مانع کلنگ زنی پتروشیمی شد

خبر کوتاه و تأمل برانگیز بود. در اقدامی بی‌سابقه، مردم بخش آبپخش بوشهر به دلیل نگرانی از تخریب محیط زیست، مانع از کلنگ زنی پتروشیمی توسط وزیر صنعت، معادن و تجارت و استاندار شدند.

به گزارش سلامت نیوز، روزنامه ایران نوشت: بر اساس گزارش خبرگزاری‌های رسمی کشور در واپسین روزهای هفته گذشته، نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از مردم محلی با در دست داشتن نوشته‌هایی در مخالفت با ساخت پتروشیمی دشتستان که در ۲ کیلومتری بخش آبپخش و سعدآباد دشتستان واقع شده با اعلام اینکه این طرح فاقد مجوزهای زیست محیطی است، خواهان جا به جایی محل این طرح شدند.

اما وزیر صنعت که نتوانسته بود کلنگ پتروشیمی را به زمین بزند بعد از ظهر همان روز به شمال بوشهر و شهرستان دیلم رفت و کلنگ پتروشیمی دیگری را که آن هم فاقد مجوز ارزیابی زیست محیطی از سازمان حفاظت محیط زیست است به زمین زد.

در همین حال نعمت‌زاده در واکنش به ممانعت دشتستانی‌ها با اعلام اینکه بوشهر نخستین استانی است که معترض به راه‌اندازی پتروشیمی می‌شود خاطرنشان کرد: راه‌اندازی پتروشیمی در رونق بخشی به منطقه بسیار تأثیرگذار است و مردم باید دانش عمومی خود را نسبت به این طرح‌ها افزایش دهند.

اما این خبر واکنش‌های زیادی را در بین متخصصان اقتصاد، جامعه شناسی و محیط زیست کشور برانگیخت، در همین حال حسین دلش، مدیرکل محیط زیست استان بوشهر نیز همچون مدیرکل دفتر ارزیابی زیست محیطی سازمان حفاظت محیط زیست هر دو طرح پتروشیمی بوشهر را فاقد مجوز زیست محیطی ارزیابی و با اشکالات متعدد برشمرد و اعلام کرد: مطابق قانون نباید پیش از رفع اشکالات و کسب تأییدیه محیط زیست کلنگ زنی صورت می‌گرفت و وقتی مردم و شوراهای محلی مخالفت خود را به ما اعلام کرده بودند و ما نیز مسئولان را در جریان گذاشته بودیم نباید از وزیر صنعت دعوت می‌شد تا برای کلنگ زنی بیاید و باید اجازه می‌دادند گزارش ارزیابی در کمیته ماده ۲ سازمان بررسی و برایش تصمیم‌گیری می‌شد. او افزود: چنانچه وزارت صنعت بخواهد از رویه مرسوم که همان طی کردن مراحل کمیته ارزیابی است خارج شود موضوع

را از طریق سازمان حفاظت محیط زیست به دولت می‌کشانیم تا آنها تصمیم‌گیری کنند.

جوانه‌های بلوغ اجتماعی در شمال جنوب

محسن رنانی، اقتصاددان برجسته کشور در یادداشتی با عنوان «جوانه‌های بلوغ در شمال جنوب» نوشت: «برای من این خبر نشاط‌آوری بود. نشانه‌ای بود از رسیدن جامعه ما به یک نقطه عطف تاریخی. نقطه‌ای که در آن دیگر حکومت نمی‌تواند با نشان دادن شکلات‌های اقتصادی، جامعه را به کرنش وا دارد. جامعه دارد می‌فهمد که پول‌های دولتی هر جا برود باید منتظر آفت‌ها و آسیب‌های بزرگ اجتماعی، فرهنگی یا محیط زیستی آن باشیم.»

بنابراین دیگر نمی‌شود با پخش کردن پول جامعه را فریب داد. این درک و بلوغ را البته جامعه در انتخابات ریاست جمهوری اخیر نیز نشان داد و گفت که دیگر با شکلات یارانه، فریب سیاسی نخواهد خورد.»

رنانی یادآور شد: «مردم به جای کشتن گاو و گوسفند آمده بودند تا خیلی مدنی و محترمانه با نمایش نوشته‌هایی مخالفت خود را با ساخت این طرح اعلام کنند و علت آن را هم نداشتن مجوزهای زیست محیطی، نامعلوم بودن محل تأمین آب طرح و نیز نامشخص بودن محل دفع پساب صنعتی آن ذکر کرده‌اند.»

وزیر با شعور دولت هم بدون آنکه مردم را به فریب‌خوردگی و عامل استکبار بودن متهم کند تنها گفته است «در عمر کاریش برای نخستین بار شاهد چنین رفتار اعتراض‌آمیزی برای شروع عملیات اجرایی یک طرح بزرگ صنعتی است» و بدون کلنگ‌زنی، منطقه را ترک کرده است.

ما داریم کم‌کم یاد می‌گیریم که اگر با هم باشیم بدون پاره کردن حنجره‌هایمان می‌توانیم کارهای بزرگی بکنیم. ما داریم یاد می‌گیریم که دیگر کمتر فریب بخوریم. «

پایان عصر کلنگ، روبان و قیچی

محمد فاضلی، جامعه‌شناس و معاون مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری نیز در یادداشتی با عنوان «کلنگ‌ها را غلاف کنید» در کانال تلگرامی‌اش نوشت: ۲۰ یا ۱۰ سال پیش اگر مسئولان دولتی می‌خواستند در جایی کلنگ پتروشیمی، پالایشگاه، سد، کارخانه فولاد، سیمان یا صنایعی از این دست را به زمین بزنند، مردم با قربانی کردن گوسفند و پخش

گل و شیرینی از آنها استقبال می‌کردند.

مسئولان و نمایندگان مجلس و بوروکرات‌های دولتی از این دست خاطرات شیرین بسیار دارند. آن خاطرات شیرین متعلق به زمانه‌ای است که کسی نمی‌پرسید پیامد محیط زیستی آبگیری سد برای جنگل‌ها، حیات وحش، تنوع زیستی و زمین‌های کشاورزی چیست؛ آب لازم برای مجتمع پتروشیمی، فولاد، سیمان و سایر صنایع پرآب‌بر، سرمایه‌بر و کم‌اشتغالزا را چگونه تأمین و با پسابش چه می‌کنید؛ این وعده‌های اشتغال که می‌دهید و به ازای چه مقدار سرمایه‌گذاری ریالی و دلاری و صدمه به منابع محیط زیستی حاصل می‌شود و منافع و مضار حاصل از ایجاد صنایع آلوده‌کننده چگونه میان اجتماع محلی میزبان واحد صنعتی، سهامداران دولتی و خصوصی و سایر نفع‌برندگان تقسیم می‌شود.

اما ایام خاطرات شیرین بوروکرات‌های دولتی و غیردولتی در حالی سپری شده که بسیاری وعده‌ها نیز محقق نشده‌اند، شغل‌های بسیار ایجاد نشده و فقر اجتماعات محلی میزبان صنایع از میان نرفته است.

این جامعه شناس می‌گوید: جامعه تغییر کرده و وزیر صنعت گویی گذشت زمان را احساس نکرده و هنوز به یاد روزگاری هستند که طرح‌ها بدون مجوز محیط زیستی، بدون نقادی جدی در کمیته ماده ۲ برای صدور مجوز محیط زیست، بدون مقاومت طرفداران محیط زیست و بدون اجبار به اینکه برای مردم تشریح کنند ما به ازای آنچه به دست می‌آورند چیست، با «کلنگ، روبان، قیچی» بازی می‌کردند. بهتر است بپذیریم محل واحدهای صنعتی را می‌توان جابه‌جا کرد، اما آگاهی محیط زیستی و همزمان تخریب‌های محیط زیستی هم فراگیر شده‌اند و در هر نقطه‌ای سر بر می‌آورند. عصر «کلنگ، روبان، قیچی» و وعده اشتغال‌های فزاینده، پایان یافته است. ایده‌های نو به کار بگیرید، دست از برخورد نمایشی با محیط زیست بردارید و خاطرات گوسفندان و شیرینی‌ها را مدتی بایگانی کنید.

در همین حال استاندار بوشهر نیز اعلام کرده چنانچه تا یک هفته آینده نتوانند با مردم دشتستان بر سر مکان پتروشیمی به تفاهم برسند دستور جابه‌جایی محل ساخت

این واحد صنعتی صادر می‌شود.

اما بهزاد رئیسیان، متخصص ارزیابی محیط زیست و رئیس کمیته آموزشی انجمن جهانی ارزیابی محیط زیست نیز در واکنش به این خبر می‌گوید: «من اساساً از صفر تا صد به ساختار ارزیابی در ایران انتقاد دارم و معتقدم علم ارزیابی در ایران اشتباه فهمیده شده است. وزیر صنعت می‌گوید مردم باید دانش خود را نسبت به این طرح‌ها افزایش دهند اما چگونه؟ اتفاقاً یکی از اهداف ارزیابی همین افزایش آگاهی جامعه از طرح‌هاست که باید توسط پیشنهاد دهنده طرح، مشاور ارزیاب و سازمان حفاظت محیط زیست صورت گیرد.»

او می‌افزاید: مردم حق دارند که مخالف بودن یا نبودن یک صنعت در نزدیکی محل زندگی‌شان باشند اما گاهی این مخالفت از روی آگاهی از اثرات طرح است و گاهی از روی ناآگاهی. چه بسا اگر اطلاعات درستی به مردم داده شود مردم موافقت هم بکنند. اما متأسفانه در ایران این آگاهی به مردم داده نمی‌شود. برای همین خیلی‌ها فکر می‌کنند لزوماً یک صنعت می‌تواند آسیب زننده باشد در حالی که اتفاقاً اگر با رعایت استانداردها باشد مثل خیلی از کشورهای اروپایی و ژاپن این صنایع می‌توانند حتی در نزدیکی سکونتگاه‌های انسانی هم احداث شوند.

او افزود: وظیفه ارزیاب این است که در فرآیند تهیه ارزیابی اثرات پروژه، مردم را دخالت دهد. باید حق دانستن از جزییات طرح و فواید و مضرات آن را برای مردم به رسمیت بشناسیم تا مردم آگاهانه بتوانند در تصمیم‌گیری مداخله کنند، اما متأسفانه امروز ایران جزو معدود کشورهای دنیاست که اصلاً مشارکت مردمی و حق آگاهی مردم از جزییات طرح را به رسمیت نشناخته در حالی که در بسیاری از کشورهای دنیا سالهاست این موضوع به عنوان جزو لاینفک ارزیابی حتی در قوانین‌شان هم آمده حال آنکه ما در ایران اصلاً برای ارزیابی قانون هم نداریم.

حتی همان پیش نویس قانون ارزیابی محیط زیست که چند وقت قبل خانم ابتکار به مجلس ارائه کردند و مجلس آن را نپذیرفت در اینجا هم

کوچکترین اشاره‌ای به جایگاه مردم در فرآیند ارزیابی نشده بود و من وقتی در مجامع بین‌المللی با متخصصان این حوزه در دنیا صحبت می‌کنم و می‌گویم که ما در ایران مردم را کلاً از این قاعده حذف کردیم به من می‌خندند و باور نمی‌کنند.

او افزود: «مهمترین هدف ارزیابی کمک به تصمیم‌گیری شفاف، آگاهانه، پاسخگو و مسئولانه است. با مطالعاتی که در قوانین ۹۸ کشور دنیا داشتم متوجه شدم حتی در کشورهای همچون بتسوانا، ویتنام، نامیبیا، کامبوج، لائوس و کنیا هم حق آگاهی و مشارکت مردم در فرآیند ارزیابی زیست محیطی به رسمیت شناخته شده الا ایران.»

پتروشیمی دشتستان بوشهر قرار است در زمینی به وسعت ۱۵۰ هکتار در ۲ کیلومتری بخش آبپخش احداث شود.